

مؤلفه‌های استخراجی از سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی نظام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و نقش آن در موتور پیشران تمدن‌سازی

محمد اسفندیار^۱، غلامرضا خواجه سروی^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر پایه مبانی قرآنی و اصول علمی، از سوی رهبر انقلاب اسلامی به‌عنوان نقشه راه پیشرفت کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی صادر شده است. خوانش اولیه بیانیه نشان‌دهنده استواری در متن و اجزایی کاملاً منطقی و طراحی دقیق بخش‌های بیانیه در حوزه نظری و عملی است. هدف از نگارش این مقاله درک معرفتی و شناختی بیانیه گام دوم و استخراج مدل حکومت‌داری و سیاست‌مداری انقلاب اسلامی است. لذا سؤال اصلی اینجا مطرح خواهد شد که نظام اسلامی در چهل سال گذشته با چه اصول، مبانی و سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی حرکت کرده که به این حد از ظرفیت جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی رسیده است. یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب اسلامی، میزان تبعیت‌پذیری بسیار بالایی آن در حوزه رفتاری و کارکردی از مبانی و اصول اولیه نظام در طول حیات خود است که حتی در نظام‌های بزرگی نظیر لیبرالیسم و مارکسیسم این تبعیت‌پذیری وجود ندارد. لذا سبک رفتاری صادرشده از سوی نظام اسلامی در گام اول این فرضیه را تقویت می‌کند که استخراج مؤلفه‌های سبک رفتاری نظام و بالفعل کردن آن، تأثیر بسزایی در ارتقای رفتار حرفه‌ای و افزایش قدرت تمدن‌سازی انقلاب اسلامی در سطح جهان خواهد داشت. بر اساس یافته‌های مقاله، آنچه در پیشرفت و ماندگاری انقلاب اسلامی نقش مهمی داشته است، میزان تبعیت‌پذیری نظام و کنشگران آن از مبانی فکری آرمان‌های اولیه انقلاب و اجرایی کردن آن در عرصه عمل و مدیریت بوده است. در این مقاله از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی

گام دوم انقلاب، سبک رفتاری، تمدن، پیشران.

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)
۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی



مقدمه

فهم دقیق بیانیه و ادراک مفهومی آن بسیار راه‌گشاست و می‌تواند ما را در راهبردها و گام‌های نظری و عملی در اجرای سیاست‌های انقلاب اسلامی و رسیدن به اهداف مدنظر کمک کند. بیانیه دارای مضامین قابل فهم و سازه‌های مفهومی دقیقی است. در نگاه کلی به بیانیه می‌توان استراتژی و راهبردهای کلان انقلاب اسلامی را از آن استخراج کرد. هریک از جوامع و ملت‌ها و نظام‌ها برای خود اهدافی دارند که این اهداف باتوجه به خمیرمایه فرهنگی و اجتماعی و نوع تفکر حاکم بر آن نظام و با استعدادهای ذاتی و درونی آن جامعه می‌تواند ترسیم شود. طبعاً از اهداف عالی انسان رشد و تکامل است که تمام جوامع انسانی در پی آن‌اند، اما چگونگی رسیدن به این مرحله به صورت‌های گوناگونی شکل می‌گیرد و جوامع بسیار کمی را می‌بینیم که راه صحیح را در پرورش و تربیت انسان به جامعه نشان دهد؛ زیرا مبانی، اهداف، ابزار و تاکتیک‌های به‌کارگرفته‌شده باید جامع و فراگیر و بر اساس اصول و ارزش‌های انسانی بنیان شده باشد. مسلماً مکاتب بشری می‌توانند در این راه کمک شایانی ارائه دهند، ولی باتوجه به تجربه بشر، هنوز جوامع در پیچ‌وخم افکار و ایده‌های مکاتبی گم شده‌اند که عملاً نه تنها گره‌ای از کار بشر باز کرده، بلکه به مشکلات انسان افزوده است. مکاتب باتوجه به محتوای خود، هریک نقشی را در بسترسازی مبانی فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش بازی کرده‌اند. بشر از ابتدای وجود خود در کره خاکی تاکنون فرازونشیب‌های زیادی را طی کرده و تاکنون در علوم طبیعی و علوم انسانی به توفیقات بسیاری دست یافته است. در عصر کنونی که از زندگی بشر هزاران سال می‌گذرد و بشر تمدن‌های بزرگی را تجربه کرده است، هنوز جوامع به حد اعلاایی از زندگی و زیستن نرسیده‌اند. مکاتب و تمدن‌های ارزش‌مدار و اخلاق‌محور همیشه چراغ راه بشر بوده‌اند و مکاتب و تمدن‌های مادی‌گرا و غیرالهی جوامع انسانی را به قعر چاه هدایت کرده‌اند. اما همیشه حقیقت و ارزش‌های انسانی آن‌چنان‌که تاریخ نشان می‌دهد پنهان نمی‌ماند. سؤال اصلی این است که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان داعیه‌دار جهان اسلام با چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی در حوزه فکری، رفتاری و مدیریتی می‌تواند نسخه‌ای جامع و کامل جهت جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی ارائه کند. در سازمان‌دهی پژوهش به چند مسئله اساسی می‌پردازیم: در بخش تمهیدات نظری و مفهومی به بحث تمدن و نزاع تمدن، اهمیت بیانیه گام دوم و چرایی، چیستی تمدن‌سازی و میزان توانایی انقلاب برای تمدن‌سازی پرداخته



خواهد شد؛ در بخش بعدی که بحث اصلی و اساسی مقاله را شکل خواهد داد به توصیف و تحلیل مؤلفه‌های سبک بینشی، سبک رفتاری و سبک مدیریتی نظام اسلامی در گام اول می‌پردازد. یقیناً هریک از این سبک‌ها دارای شاخص‌ها و ویژگی‌هایی است که اساس و ماهیت آن سبک را شکل خواهد داد. در واقع کلان‌راهبرد انقلاب اسلامی را بیان می‌کند. مبانی و اصول این سبک‌ها برگرفته از ایدئولوژی ناب اسلام و تجربیات اسلام معاصر است. در بخش آخر به میزان تطابق سبک‌های استخراجی با ملزومات تمدن‌سازی پرداخته و قرابت و نزدیکی این دو کاملاً مشهود می‌شود.

تمهیدات نظری و مفهومی

تمدن و نزاع تمدن

مفاهیم تمدن و نزاع تمدنی، مطالعات تمدن به‌عنوان یکی از حوزه‌های مهم پژوهشی، از گذشته‌های دور ملحوظ نظر محققان قرار گرفته است. تمدن در زبان انگلیسی از لغت لاتینی Civis به معنای شهرنشین گرفته شده است و به‌منظور دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت استفاده می‌شود (جهان‌بین و فتوحی، ۱۳۹۷: ۴۱). یونانیان با استفاده از واژه تمدن، شهر را به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. ساموئل هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به‌شمار می‌آورد (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷). مک‌آیور تمدن را به معنای تشکل جامعه، نظام و کنترل شرایط اجتماعی می‌داند و کسی مثل کروبر تمدن را به واقعیت اجتماعی خلاصه می‌کند (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۴۹-۵۰). ویل دورانت تمدن را عبارت از نظم اجتماعی می‌داند که بر اثر آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد. به‌علاوه در محل برخورد راه‌های بازرگانی و شهرهاست که عقل مردم بارور می‌شود (دورانت، ۱۳۳۷: ۳). عده‌ای نیز تمدن را حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی می‌دانند و اینکه تمدن خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در شاه‌راه نهادینه‌شده امور اجتماعی یا به قول ابن‌خلدون، عمران یافتن است.



عوامل تمدن ساز

وجود مؤلفه‌های تمدن ساز یا فقدان آنها، تأثیر بسزایی در ظهور و افول تمدن‌ها بر جای می‌گذارد. ویل دورانت عناصر تمدن سازی را شامل پیش‌بینی امور اقتصادی، سازمان و نظم سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر، ویژگی‌های زمین‌شناختی، شرایط جغرافیایی، زیستی، روانی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی می‌داند (دورانت، ۱۳۸۲: ۳-۷).

عبدالله بدآوی نیز از ده اصل اسلامی تمدنی یا اسلام حضاری ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی، حکومت عادل و امین، مردم آزاد و مستقل، تحقیق مجدانه و تسلط بر علوم، توسعه اقتصادی متعادل و فراگیر، کیفیت مناسب زندگی، حفظ حقوق اقلیت‌ها و زنان، یکپارچگی فرهنگی و اخلاقی، حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست و قابلیت دفاعی مستحکم، به‌عنوان عوامل سازنده تمدن یاد می‌کند. برخی نیز مؤلفه‌های تمدن سازی را شامل مواردی همچون سیطره فراملی، اراده جمعی و انسانی، دارا بودن مهد، جامعه و سرزمین، شمولیت در روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، قدرت نفوذ، جریان سازی اجتماعی و برتری طلبی، تعالی جویی و آرمان خواهی فراگیر و تأثیر در تحولات تاریخی می‌دانند. غسان العزی در کتاب سیاست القوه؛ مستقبل النظام الدولی والقوی العضمی، بر این اعتقاد است که جهت قرار گرفتن در رأس تمدن، شروطی همانند پیشرفت در زمینه علمی و فناوری، اوضاع اقتصادی و مالی مطلوب، قدرتمندی نظامی، موقعیت جغرافیایی مناسب و ذخایر انرژی، فرهنگ تأثیرگذار و توانمندی دیپلماتیک الزامی است. به‌طور کلی با کنکاش در منابع، می‌توان نُه مؤلفه ایدئولوژی، موقعیت جغرافیایی، انسانی و اجتماعی، حوزه فرهنگی، مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، سیاست خارجی، علم و فناوری را به‌عنوان عناصر مهم تمدن ساز دانست (جهان‌بین و فتحی، ۱۳۹۷: ۴۱).

پیشینه پژوهش

بیانیه گام دوم انقلاب در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، صادر شده است. در تبیین بیانیه، پژوهشگران به اهمیت و جایگاه بیانیه و توضیح و تفسیر آن از ابعاد گوناگون پرداخته‌اند. در اکثر مقالات اجزای بیانیه تشریح و توضیح داده شده است. در این مقاله، نگاهی کلی و فراگیر و اندام‌وار



به بیانیه شده است. در مقاله سعی می‌شود بینش، رفتار و منش مدیریتی نظام اسلامی در چهل سال گذشته از آن استخراج شود و در نهایت به مؤلفه‌های اصلی سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی نظام برسیم. روش بدیع و خلاقانه مقاله در استخراج مؤلفه‌های بینشی، رفتاری و مدیریتی از متن بیانیه است.

انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب‌هایی بوده است که تفاوت‌های بسیاری از لحاظ مبنایی و ایدئولوژیکی در مقایسه با دیگر انقلاب‌های جهان داشته است. با گذری کوتاه بر انقلاب‌های جهان و با بررسی علل و عوامل انقلاب‌های جهان به این نتیجه می‌رسیم که عوامل انقلاب‌های جهان با هیچ‌یک از علل پدید آمدن انقلاب اسلامی ایران همخوانی ندارد. لذا اندیشمندان جهان با واکاوی‌ها و ارزیابی‌های انجام‌شده، کمتر به نتایجی که به واقعیت امر نزدیک باشد می‌رسند. علت این موضوع هم برمی‌گردد به نوع جهان‌بینی شکل گرفته در اذهان آنها؛ چون افکار و اذهانی که بر مبنای جهان‌بینی مادی شکل گرفته باشد به دنبال علل مادی و طبیعی برای بررسی یک پدیده است و علت انقلاب ایران را تنها می‌توان با دید دینی و الهی توجیه کرد. انقلاب ایران به اعتراف بسیاری، انقلابی منحصر به فرد است و نظیری برای آن در میان انقلاب‌های بزرگ نمی‌توان یافت.

در ایران انقلابی رخ داده است که همه معادلات را به هم ریخته و حساب‌های به اصطلاح جامعه‌شناسانه را نقش بر آب ساخته است. کسی باور نمی‌کرد انقلابی رخ دهد که بدون پشتوانه حزبی و تشکیلاتی خاص و تنها با تکیه بر مذهب و پایگاه‌های آن، یعنی مساجد شکل گرفته باشد. به هر رو می‌بینیم غریبان نیز این انقلاب را پدیده نوظهوری دانسته‌اند.

لذا انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی است که نه تنها جهان اسلام، بلکه جهان غرب را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است؛ به طوری که مبنای نظام فکری غرب را کاملاً زیر سؤال برده است. دین اسلام که دارای تمدن پربار و غنی در سراسر عمر خود است در مقاطعی از تاریخ با افول مواجه شده است که ریشه‌های گوناگونی دارد. اسلام به عنوان آخرین دین توسط حضرت محمد (ص) با کتاب آسمانی قرآن شروع شد و رشد و نمو کرد و هدف اصلی آن

نیز به وجود آوردن تمدنی واحد در کل جهان برای نجات بشر از تاریکی‌ها و رشد و تربیت کامل انسان بوده است. به همین جهت در همان دوران اولیه مبعوث شدن پیامبر اسلام (ص)، مفاهیم الهی و اسلامی به سرعت رو به رشد نهاد و تمدن‌های بزرگ آن دوران را در طی یک دهه کنار زد و در ممالک آنها نفوذ کرد. این شروع و نمو تمدنی بوده است که طی ده سال از لحاظ جغرافیایی بخش‌های بزرگی از جهان را درنوردید. این در حالی است که هر تمدن در پس قرن‌ها و گذشت زمان‌های طولانی به وجود می‌آید، ولی دین اسلام در طی ده سال تمدن‌ساز شده است؛ زیرا هدف اسلام تمدن‌ساز بودن دین اسلام و گسترش و ترویج آن در سراسر جهان است که طبق سنت الهی می‌باشد.

مؤلفه‌های استخراجی در بیانیه گام دوم انقلاب

با بررسی کلی بیانیه، به سه نوع سبک از کارکردها و خروجی‌های نظام اسلامی رسیده‌ایم. هریک از این سبک‌ها دارای مؤلفه‌ها، شاخص و اصولی است که جداگانه به توضیح و تبیین هریک می‌پردازیم. این سه سبک به صورت سلسله‌مراتب و اولویت‌دار در سطوح نظام رعایت شده است. مطلب مهم حلقه‌های به هم پیوسته این سبک است که زنجیروار به یکدیگر متصل شده است و دچار انقطاع و انحراف از مراحل قبلی نیست. در بیشتر نظام‌های سیاسی و انقلاب‌های بزرگ، کمی پس از گذشت انقلاب‌هایشان، دچار انحراف و انقطاع فکری و عملی از شعارها و اصول شده‌اند و به آرمان‌های اصلی نیز پشت پا زده‌اند؛ اما در انقلاب اسلامی عمل و کنش نظام با مبانی نظری و تئوریک اولیه انقلاب به صورت موازی حرکت کرده است. همسو بودن این دو عرصه یعنی عرصه نظر و عرصه عمل، موجب تحولی عظیم در ارتقای توانایی و افزایش قوای انقلاب برای جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.

- سبک بینشی نظام اسلامی

در واقع می‌توان گفت سبک بینشی مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و رویکردهای کلی ذهنی و فکری نظام در موضوعات اساسی و بنیادی حیات اجتماعی است که منجر به رفتار و عمل نظام در تصمیم‌گیری در حوزه‌های گوناگون زندگی می‌شود. مختصات بینشی، مربوط به جنبه نگرشی است و ادراک خیالی و ادراک عقلی انسان را شامل می‌شود.



- سبک رفتاری نظام اسلامی

مختصات رفتاری نظام مربوط به جنبه رفتاری نظام است. مختصات رفتاری رفتار ارادی نظام را در تحولات و حوادث دربرمی‌گیرد. مختصات رفتاری و عملی نظام مجموع برایندهای مختصات پیشینی آن نظام سازنده خواهد بود و از آنها تأثیر خواهد پذیرفت.

- سبک مدیریتی نظام اسلامی

در دنیای امروز سرعت پیشرفت جوامع بستگی به نظام مدیریت آنها دارد و نحوه و مدل مدیریت‌ها مطابق جهان‌بینی آن جوامع تدوین شده است. هر مدیری شناخت خاصی از جهان دارد و مدیریت را بر اساس آن شناخت تنظیم می‌کند.

مؤلفه‌های استخراجی از سبک پیشینی نظام اسلامی

معنویت‌گرایی

اصولاً هر نظام سیاسی و اجتماعی باید بر اساس مکتب و آرمان‌های خود حرکت کند. نظام انقلاب اسلامی بر اساس مبانی و اصول اسلامی، سه اصل اساسی و مهم خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی را در سرلوحه برنامه‌های بعد از انقلاب در جهت پیشرفت مادی و معنوی کشور و سایر جوامع قرار داده است. آن چیزی که برای دین اسلام مهم و اساسی است ایده‌آل کردن فرد و انسان و خانواده و بعد جامعه است. به مضمون دیگر اسلام برای بعد فردی و اجتماعی انسان اهمیت بسیاری قائل است. لذا آنچه در بیانیه در خصوص خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی آمده است مبانی دینی، اسلامی و قرآنی دارد. در مقایسه با سایر مکاتب لیبرالیستی و مارکسیستی، اسلام مبانی متفاوت و جامع و کامل دارد. در مکاتب دیگر انسان‌محوری به صورت ناقص و معیوب برای افراد تفسیر و نهادینه شده است. آنچه در غرب در حوزه انسان‌گرایی آمده است، انسان را به سمت فطرت درونی خویش رهنمون نمی‌سازد و ناسازگاری‌های زیادی با فطرت بشری و انسانی دارد. در اهمیت معنویت‌گرایی در بیانیه گام انقلاب این‌طور آمده است:

عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (ره) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی



انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد.

لذا این مکاتب بعد از سالیان سال هنوز نتوانسته‌اند نسخه مطلوبی را برای افراد جامعه در جهت آرامش و آسایش روحی و روانی ارائه دهند. دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن نسخه‌های بسیار فراوانی را مطابق فطرت و روح بشر ارائه داده است که با به‌کارگیری و تجربه کردن آن، به‌هیچ‌وجه جوامع دچار آسیب در حوزه سیاسی اجتماعی نخواهند شد. اسلام تقوا را بهترین مطلوب انسان می‌داند و برای اینکه انسان از نابسامانی‌ها و هرج‌ومرج‌های اجتماعی رهایی یابد، پایدها و نیایدیهایی را برای انسان در نظر گرفته است؛ در صورتی که مکاتب لیبرالیستی نفس اماره را محور قرار داده‌اند و اصالت سود و فایده مادی را به جامعه تزریق کرده‌اند و تمام برنامه‌های فردی و اجتماعی جوامع بر اساس نفس اماره و سود و فایده مادی محاسبه می‌شود. لذا ما شاهد هستیم جوامع غربی بعد از تجربه‌های فراوان در تفکر مدرن و پسامدرن، هنوز در ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ تا جایی که به بن‌بست نزدیک شده‌اند.

لذا آنچه در بیانیه برای رسیدن به جامعه‌سازی و تمدن‌سازی لازم است مشروط به خودسازی در بعد فردی و اجتماعی است که در نهایت جامعه را به اهداف و غایات متعالی می‌رساند. انقلاب اسلامی بعد از پیروزی در چهل سال اخیر توانسته در این حوزه گام‌های مؤثری بردارد و نتایج خوبی را هم به همراه داشته است و توانسته در حوزه خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی پیشرفت‌های گفتمان ایجاد کند. تفاوت مسیر لیبرالی با مسیر اسلامی بسیار فراوان است: در نسخه غربی و مدرن، انسان‌مداری با روح بشر و فطرت او سازگاری و همخوانی ندارد و اصلاً در پی متعالی کردن انسان و تکامل همه استعداد‌های انسانی نیست و بر اساس محاسبات مادی جلو می‌رود؛ در صورتی که اسلام به جوانب روحی و روانی بشر معطوف شده و برنامه و نسخه کاملی را برای او در نظر گرفته است. در کنار موج



معنویت‌گرایی و گسترش آن در جمهوری اسلامی، در غرب شاهد سقوط اخلاقی بوده‌ایم که در بیانیه نیز بر آن تأکید شده است: «اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است» (بیانیه گام دوم).

عدالت‌گستری

اندیشمندان و فیلسوفان مکاتب فکری سیاسی جهان به مباحث عدالت به‌طور اجمالی پرداخته‌اند؛ اما نکته مهم این است که حکومت‌ها و دولت‌ها کمتر در حوزه عملی توانسته‌اند سازکار اجرایی عدالت را فراهم آورند و آن را در تمام سطوح جامعه و سیاست نهادینه کنند؛ ضمن اینکه در بحث تنوریک و نظری هم مکاتب فکری غرب دارای کمی و کاستی در بحث عدالت‌اند. اما انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از بینش فکری اسلام، هم در حوزه نظری و هم در حوزه عملی امکان یافته است که به پیشرفت‌های درخورتوجهی دست پیدا کند. مقام معظم رهبری در بیانیه این‌طور می‌فرماید:

کفه عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنا گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند.

گسترش و نفوذ عدالت بعد از انقلاب اسلامی به‌حدی بوده که در لایه‌های گوناگون نهادها و طبقات جامعه نفوذ پیدا کرده است؛ به‌طوری‌که در بیانیه دستاوردهای مهم عدالت‌گستری در جهان بی‌نظیر بیان شده است:

جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینهاست و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌هاست.

فطرت‌گرایی (حقیقت‌گرایی، حق‌طلبی، استقلال و آزادی)

ارزش‌های الهی مبتنی بر فطرت بشر و همساز و هماهنگ با ذات انسانی و انسانیت انسان و بالاتر از آن نازل شده و همگی از ناحیه عالم مطلق هستند و بدین اعتبار چراغ راه بشر در رسیدن به کمال و سعادت‌اند. فطرت خلقت هدایت‌یافته تکوینی است که زمینه‌ساز هدایت آینده خواهد بود. از آنجاکه اندیشه‌های امام خمینی (ره) و اصول اساسی انقلاب اسلامی مبتنی بر ارزش‌های دینی الهی است، مقوله فطرت یکی از اصول اساسی مکتب و اندیشه امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، به‌شمار می‌رود؛ مؤلف‌ای که در آثار ایشان به‌خوبی به آن پرداخته شده است. ایشان در مقاله ششم کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل، با ذکر آیه نورانی «فطرة الله التي فطر الناس عليها (روم: ۳۰)؛ فطرت الهی همان فطرتی است که خدا انسان را بر آن آفریده است» به بیان فطرت و انواع آن می‌پردازد. بنابراین، پایه و اساس دیدگاه امام خمینی (ره) در همه مسائل، اصل فطرت است و فطرت نیز فطرت کمال‌جوی بشر است و عقل و دین به کمک فطرت پاک انسانی آمده‌اند تا انسان متعالی شود. در مقابل، اگر فطرت پاک انسانی حاکم نباشد، قوای طبیعت که در مقابل فطرت قرار دارند حاکم می‌شود و انسان تحت امر قوای شیطنت، غضب و شهوت قرار می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های اساسی انقلاب اسلامی این است که مبانی و اصول انقلاب موازی با ویژگی‌های فطری انسان‌ها و جوامع است که با اصالت وجودی انسان سازگار نیست. لذا در بیانیه این‌طور آمده است:



«برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست. آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند». (بیانیه گام دوم).

باور به ظلم‌ستیزی

وقوع انقلاب اسلامی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، زمینه‌ساز حضور دین در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شد و اندیشه‌های موجود الحادی را به چالش کشانید. این حضور که در نظام دوقطبی جهان نمی‌گنجید، موجب تغییر در رفتار، روش و شعارهای سران استکبار شد و غول‌های رسانه‌ای با تبلیغات یک‌سویه، فقر و جهالت و عقب‌ماندگی را که ثمره سال‌ها استعمارزدگی امت اسلامی است به حساب حاکمیت نوپای دینی گذاشتند و موفقیت‌های چشمگیر این حرکت الهی را نادیده گرفتند. رهبر معظم انقلاب در پاسخ به این هجمه‌ها مفهوم استکبارستیزی را در قالب گفتمان انقلاب اسلامی طرح کردند و بر اساس آن نظام امپریالیستی موجود را به چالش کشیدند. متن پیش رو درصدد پاسخ به این پرسش است که مفهوم استکبارستیزی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی دارای چه جایگاه و مختصات است. این مطلب در بیانیه گام دوم انقلاب نیز تشریح شده است:

نماد پُرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان امریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرزوبوم به‌شمار می‌رفته است.

نکته حائز اهمیت این است که انقلاب اسلامی در این تقابل نابرابر ظلم و حق به پیروزی دست یابد:

قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پای مال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران

اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده امریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدبران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند (بیانیه گام دوم انقلاب).

تعامل دین و دنیا

دنیا و آخرت دو قلمرو کاملاً جدا و بدون ارتباط نیستند؛ به گونه‌ای که بتوان برای هر یک برنامه جداگانه طرح کرد. رسیدن به سعادت اخروی بسته به بهره‌مندی از بینش درست، برخورداری از اخلاق مناسب و گزینش رفتار شایسته در دنیاست؛ زیرا دنیا و آخرت دو روی یک سکه‌اند: بین آنها رابطه تکوینی برقرار است و آخرت مرحله دیگر از حقیقتی به هم پیوسته است. از این رو، اگرچه هدف نهایی و مقصد اصلی دین، تأمین سعادت اخروی و هدایت انسان به سوی کمال حقیقی در سایه قرب الهی است، رسیدن به این هدف بدون توجه به نوع رفتار و پندار انسان در دنیا ممکن نیست. علاوه بر این، اصلاح دنیا هدف میانی دین است؛ زیرا متون دینی اقامه عدل را از اهداف اصلی بعثت انبیا می‌داند و برای رسیدن به این هدف قوانین حقوقی و کیفی ویژه‌ای وضع کرده و برای توزیع دارایی‌ها و فرصت‌ها، نظام ویژه‌ای را سامان داده است. همچنین، از این گفتار به دست می‌آید که رفتارهای ما علاوه بر پیامدهای متعارف که مشهود عموم است، تأثیر نامرئی بر حوادث و جریان‌های نیک و بد جهان دارد که خداوند از آن آگاه است. پس، از این جهت نیز دین‌مداری یا دین‌گریزی در بسامان شدن یا نابسامانی وضعیت دنیای انسان، نقش بی‌بدیل و انکارناپذیر دارد. لذا مقام معظم رهبری در بیانیه فرمودند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.»



شمولیت گرای برای همه جهان

گفتمان انقلاب اسلامی ماهیت و هویت فراملی دارد. انقلاب فراملی برخلاف انقلاب ملی دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که از مرزهای جغرافیایی ملی فراتر می‌رود و به یک ملت تعلق ندارد. براین اساس انقلاب اسلامی ایران انقلاب فراملی است؛ زیرا این گفتمان انقلابی بر پایه اسلام شیعی استوار است که یک مکتب و جهان‌بینی جهان‌شمول و فراملی است. فراملی‌گرایی و جهان‌شمولی گفتمان انقلاب اسلامی موجب الهام‌بخشی در جوامع دیگر شده است؛ زیرا این گفتمان بر اصول انسانی و فطری استوار است و به همه ابعاد بشری توجه کرده است. امکان بازتولید گفتمان انقلاب اسلامی در جوامع اسلامی و در حال توسعه بیشتر است؛ زیرا این گفتمان در شناسایی مشکلات مادی و معنوی این جوامع و پاسخ‌گویی به آنها توانا تر است.

مؤلفه‌های استخراجی از سبک رفتاری نظام اسلامی در بیانیه

عقلانیت رفتاری

نکته اساسی در بحث عقلانیت رفتاری بحث تبعیت‌پذیری رفتار و کنش نظام از مبانی عقلانی است؛ یعنی تمام افعال سیاسی و اجتماعی نظام اسلامی بر اساس مبانی عقلانی صادر می‌شود. البته بحث عقلانیت باید بر پایه و اساس صحیح تحلیل شود. در مکاتب غربی به بحث عقلانیت آن‌طور که باید جامع و مانع تفسیر شود پرداخته نشده است و در بعضی موارد در سطح بسیار نازلی با بحث عقلانیت برخورد شده است. لذا آنچه در غرب در باب عقلانیت آمده بر اساس محاسبه سود و زیان شئون سیاسی و اجتماعی است و سمت‌وسوی حقیقت‌گرایی ندارد و به فطرت و روح حق‌طلبی انسان توجه نمی‌کند. آن نوع تمدن یونانی که در شخصیت‌هایی مثل سقراط و افلاطون و ارسطو ظاهر شد، بهتر از تمدن امروزی غرب است، ولی با آن عقل بشر به نتیجه‌ای که به دنبال آن است نمی‌تواند برسد. حتی تمدنی که صرفاً محدود به عقل استدلالی باشد، برای زندگی بشر کافی نیست؛ یعنی بشر در نهایت نمی‌تواند با آن کنار بیاید و به نتیجه‌ای که در همه ابعاد شخصیت خود به آن نیاز دارد برسد. لذا یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی استمداد کنش‌ها و رفتارهای نظام در تمام شئون برگرفته از عقلانیت اسلامی است. لذا ما ابتدا به بحث اهمیت و جایگاه عقل در انقلاب اسلامی می‌پردازیم.



در ارزش و اهمیت عقل، روایات فراوانی از ائمه اطهار: وارد شده است که بر اساس آنها عقل به عنوان مهم‌ترین و محبوب‌ترین مخلوق الهی و ملاک جزا و پاداش معرفی شده است. امام باقر(ع) فرموده‌اند: «وقتی خداوند عقل را آفرید، هر آنچه دستور داد اطاعت کرد و از هر چه نهی کرد پرهیز نمود. آن‌گاه خداوند فرمود: "به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که از تو به بیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی و کيفر و پاداش متوجه توست"» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۰؛ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۹).

عقل بزرگ‌ترین سرمایه انسان است. امام صادق(ع) از حضرت رسول(ص) نقل می‌کنند که خطاب به حضرت علی(ع) فرمودند: «ای علی، شدیدترین فقر جهالت و بزرگ‌ترین سرمایه عقل است.»

نگاه عقلانی، با برنامه و محاسبه و هوشمندی و تدبیر باعث می‌شود در طی هر مسیری دچار لغزش و انحراف نشویم. دین‌مداری، عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی و هر آرمان اسلامی و انسانی دیگر اگر با عقلانیت همراه نباشد، نه تنها ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند، بلکه مشکلات را پیچیده‌تر هم می‌کند و موجب ایجاد انحراف می‌شود (قالیباف، ۱۳۸۷).

«اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا باشد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود. خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست، و چیزهایی را هم که عدالت است گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای دولت نهم در تاریخ ۱۳۸۴).

ثبات، تعهد و وفاداری به آرمان‌ها

نکته درخور توجه در انقلاب اسلامی تداوم در مسیر انقلابی و ثبات و اصرار بر آرمان‌های انقلاب بوده است؛ به طوری که در گام اول به هیچ‌یک از شعارها و مبانی اولیه انقلابی پشت نکنیم و حتی در پی مطلوب عمل کردن به آرمان‌ها باشیم. در مقایسه با دیگر انقلاب‌ها می‌توان این‌طور نتیجه گرفت انقلاب‌های بزرگ نیز در تعهد به شعارهای انقلاب و ثبات در



مسیر انقلاب دچار انفعال شده‌اند، اما انقلاب اسلامی با کمک مکتب فکری اسلام توانسته از اصول و مبانی منحرف نشود. لذا در بیانیه این‌طور آمده است:

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

از ویژگی انقلاب اسلامی این است که با اقتضائات زمان، مسیرها و رفتارهای خود را تنظیم و حرکت می‌کند. ضمن اینکه از اصول خود به شدت دفاع می‌کند، برای پویایی و و پالایش خود نیز اقدام می‌کند: «جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند» (بیانیه گام دوم انقلاب).

اخلاق‌محوری و پرهیز از افراط‌گرایی

یکی از ویژگی‌های رفتاری انقلاب اسلامی دوری از هرگونه حب و بغض افراطی بوده است. منظور از حب و بغض افراطی یعنی تمام دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر مدار حق و باطل می‌چرخد و برخاسته از هواهای نفسانی و غرایز اعمال نخواهد شد. لذا انقلاب اسلامی ضمن اینکه قدرت زیادی را در معادلات داخلی و خارجی داشته، توانسته است این قدرت را در مسیر فطرت و حقیقت هدایت کند. به این مورد در بیانیه این‌طور اشاره شده است:

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌هاست نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با امریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب



از آغاز تا امروز، نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.

تقویت هویت ملی

اهمیت و ارزش هویت ملی برای هیچ‌یک از افراد جامعه از جمله نخبگان و اندیشمندان پوشیده نیست؛ زیرا این مؤلفه در هر جامعه و کشوری جاری و ساری شد، توانست به درجات مختلفی از هویت‌های فرهنگی دست یابد. تقویت این مؤلفه در ایران به همراه تلفیق دین و پویایی فرهنگی اسلام می‌تواند بهترین گزینه برای هویت ملی دینی باشد. برای احیای تمدن ایرانی و اسلامی، بازتعریف هویت ملی و دستیابی به کارویژه‌های هویت ملی نظیر انسجام و هم‌بستگی ملی، ایجاد آگاهی ملی و جهت‌دهی به زندگی اجتماعی و تعیین سازکارهای فرهنگ سیاسی ضروری می‌نماید؛ زیرا هویت ملی با بهره‌گیری از توانایی‌های نمادین مانند زبان، دین، گذشته تاریخی و منافع مشترک می‌تواند به وفاق اجتماعی و هم‌بستگی ملی یاری رساند. همچنین هویت ملی می‌تواند مسیر و هدف جمعی افراد جامعه را نیز مشخص می‌سازد.

مؤلفه‌های استخراجی از سبک مدیریتی نظام اسلامی در بیانیه

از ابتکارات انقلاب اسلامی به دست آوردن مدیریت صحیح و منطقی در تمام عرصه‌ها بوده است؛ به طوری که توانسته با اتکا به مبانی و اصول اسلامی، به تکوین شاخص‌های مدیریتی جدیدی در جهان دست یابد. اما این شاخص‌ها باید در صحنه عمل نیز به منصفه ظهور گذاشته شود و در تمام نهادهای اجرایی و مدیریتی اعمال گردد. در گام دوم انقلاب نیز بر آن تأکید شده است. در ادامه به برخی شاخص‌های مدیریتی در گام اول انقلاب می‌پردازیم:

مدیریت جهادی

شاید بتوان گفت از اولین شاخص‌های مدیریتی که انقلاب اسلامی در سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب به آن دست یافته، شاخص مدیریت جهادی است. آنچه تجربه و تاریخ نشان می‌دهد انقلاب اسلامی در حوادث سخت بعد از انقلاب در عرصه‌های سیاسی،



اقتصادی و نظامی به مدیریت درست و صحیح برآمده از آموزه‌های اسلامی و به موفقیت‌های شگرفی در عرصه سیاسی و اجتماعی دست یافت. مدیریت جهادی با شاخص‌های امید و امیدآفرینی، عزم و اراده، خلاقیت و نوآوری، اتکا به توان و قدرت داخلی، باور به پیروزی و پیشرفت، توجه به علم و عمل توانسته انقلاب را از دل هجمه‌های سنگین جهان غرب نجات دهد و اکنون بعد از چهل سال، به فناوری در این حوزه دست یافتیم. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص مدیریت جهادی می‌فرماید: «مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل "ما می‌توانیم" عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌ها. به‌رغم همه این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت.»

امام خمینی (ره) را می‌توان به‌عنوان مدیر تمام‌عیار انقلاب اسلامی و الگو در تمام تحولات انقلاب مشاهده کرد؛ به این معنا که منبع و منشأ مدیریت اسلامی ایشان بودند و توانستند گفتمان صحیح مدیریت اسلامی را در صحنه‌های عملی انقلاب به‌نمایش بگذارند. یکی از مدیریت‌های اساسی ایشان تشکیل حکومت بر مبنای مردم‌سالاری دینی است که ضامن اصلی انقلاب در طول چهل سال بوده است: «در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد.»

تسهیل ورود جوانان به عرصه مدیریتی کشور از ویژگی‌های بارز مدیریت اسلامی بوده است. ورود جوانان به عرصه‌های جنگ، پیروزی‌های بسیاری را برای انقلاب رقم زده است. بر این ویژگی در بیانیه گام نیز تأکید شده است: «آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور "ما می‌توانیم" را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت، و این منشأ برکات بزرگ شد.»

از شاخص‌های دیگر مدیریت جهادی و اسلامی این است که بدون هیچ تجربه‌ای توانسته برای جمهوریت و اسلامیت نظام در قالب جمهوری اسلامی نظریه‌ای نو ارائه و آن را عملی کند: هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب



جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی (ره)، به دست نیامد؛ و این نخستین درخشش انقلاب بود.

تأکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب اسلامی

چون انقلاب اسلامی بدیع و نوآور است، بسیار ارزشمند است و تمام آن چیزی که به دست آورده نیز ارزشمند است. این را این‌گونه استدلال می‌کنند که بدیع و نوآورانه بودن انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از صفر شروع شده است. چرا؟ چون اولاً همه چیز ضد ما بود و ثانیاً هیچ تجربه پیشین و راه طی شده‌ای برای ما وجود نداشت.

مدیریت در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی

دخالت دادن علم در عرصه‌های مدیریتی انقلاب اسلامی یکی از مؤلفه‌های اساسی را در مدیریت انقلاب نشان می‌دهد. مؤلفه علم‌گرایی در مکتب اسلام به‌خوبی تشریح و بیان شده است. در ادامه به اهمیت و بحث علم در اسلام می‌پردازیم.

اصل کلمه علم، به‌جز مشتقات آن، حدود هشتاد بار در قرآن کریم در مواضع مختلف به‌کار رفته و اگرچه کلمه عقل در قرآن نیامده، ترکیب «اولی الالباب» را که به معنای خردمندان است می‌توان در قرآن یافت. همچنین، واژگانی چون حکمت، برهان، فکر و فقه بارها در قرآن به‌کار رفته‌اند.

سخن پیامبر اسلام (ص) که دانش آموختن بر هر زن و مرد مسلمان واجب و فریضه است، یا ساعتی اندیشیدن از عبادت یک‌ساله نیکوتر است، نمونه‌هایی از تأکید بر دانش‌اندوزی در اسلام است. در دوره حیات ائمه (س)، به‌ویژه از دوره امام جعفر صادق (ع) که دانش و دانش‌اندوزی رونق تمام داشت، آن حضرت یاران خویش را به دانش‌اندوزی تشویق می‌فرمودند. اینکه در روز قیامت قلم دانشمندان بر خون شهیدان سنگینی خواهد کرد، نمونه‌ای از این تشویق‌هاست.

علم‌آموزی و پیشرو بودن در یادگیری علم از عوامل اصلی تمدن‌سازی اسلامی در مدت‌زمان بسیار کم بوده است. آنچه رشد علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمانان میسر ساخت، در حقیقت همان اسلام بود که با تشویق مسلمانان به علم و ترویج نشاط در زندگی،



راه اعتدال، توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد. اسلام در دنیایی دعوت خود را آغاز کرد که در حال رکود و جمود بود. اسلام با تعلیمات مبتنی بر جست‌وجوی علم و ترک تعصبات قومی و مذهبی و اعلام امکان همزیستی با اهل کتاب، به تعبیر قرآن غل‌ها و زنجیرهایی را که به دست و پا و گردن مردم بسته شده بود پاره کرد و زمینه رشد تمدن عظیم و وسیع را فراهم ساخت (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۱۳). پروفیسور ارنست کوئل آلمانی، استاد هنر اسلامی در دانشگاه برلین در سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۴، می‌گوید: مسلمانان از نژادهای مختلف روی اختلافات نژادی خود پل بسته بودند؛ یعنی اسلام برای اولین بار توانست وحدتی سیاسی و اجتماعی بر اساس عقیده و مرام و مسلک به وجود آورد، و به همین جهت تسهیلات بسیاری را از لحاظ ایجاد تمدنی عظیم و وسیع به وجود آورد. توصیه و تأکید اسلام در توجه به علم و علما، علت و موجب اصلی آشنایی مسلمانان با فرهنگ و دانش انسانی بود. قرآن مکرر مردم را به تفکر و تدبر در احوال کائنات و تأمل در اسرار آیات دعوت، و به برتری اهل علم و درجات آنها اشاره کرده است (همان: ۴۴۹). توجه مسلمانان به علوم از قرآن آغاز شد. آنها به تلاوت صحیح قرآن اهمیت می‌دادند. تمام سعی خود را در فهمیدن احکام قرآن مصروف می‌داشتند. احساس نیاز مسلمانان به درک و فهم الفاظ و معانی قرآن، علوم مختلف اسلامی را به وجود آورد.

لذا حرکت مدیریت کشور بر مبنای علم و فناوری باعث پیشرفت‌ها و موفقیت‌های عظیم در انقلاب اسلامی در عرصه‌های عمران، پزشکی، هسته‌ای، نظامی و... شده است. در باب اهمیت علم و فناوری در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است: «موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود.»

پیش از انقلاب، در توسعه علم و فناوری در هیچ عرصه‌ای از علوم و فنون پیشرفته گامی بومی و داخلی برداشته نشد و اکثر علوم و فنون وارداتی بود، و این مورد در بیانیه نیز آمده است: «ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.»



به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی

در تطبیق شکل مدیریت جهادی و اسلامی با سایر مدیریت‌ها در جهان، بهره‌گیری انقلاب اسلامی از ظرفیت‌های مردمی و خودجوش انقلابی بوده است. تاریخ اسلام به ما نشان و یاد داده است که در اداره جامعه اسلامی باید از تمام ظرفیت‌های مردمی استفاده کرده است و این موجب قوام‌بخشی و استحکام پایه‌های حکومت‌داری خواهد شد. استفاده از این ظرفیت مردمی در بیانیه این‌طور تشریح شده است:

مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی

آن چیزی که در بیانیه گام دوم بر آن تأکید شده ضرورت تکوین الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی است. برای دست یافتن به این الگو، مانند تجربه‌های چهل سال اول باید از حضور فعال جوانان در همه میدان‌های سیاسی بهره برد. لذا جوانان باید با بهره‌گیری از تجربه‌های گران‌قدر و ارزشمند بعد از انقلاب، با روحیه انقلابی و عمل جهادی در تکمیل الگوی نظام پیشرفته اسلامی بشتابند. بر این موضوع در بیانیه این‌طور تأکید شده است:

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.



بهره‌گیری از نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور

اهمیت بهره‌گیری از نیروی انسانی مستعد و کارآمد با پایه‌های عمیق اسلامی و ایمانی یکی از امتیازات و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی برای سرعت‌بخشی به حوزه تمدن‌سازی است. لذا یکی از منابع کمیاب که اکثر کشورها شاید از این قضیه بی‌بهره باشند منابع انسانی مستعد است. لذا نظام اسلامی از دو جنبه دارای امتیاز است: اول وجود نیروی انسانی جوان؛ دوم کیفیت نیروی انسانی جوان:

نکته مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنای واقعی جهش ایجاد کنند.

مقام معظم رهبری مدظله العالی در بیانیه گام دوم انقلاب به‌صورت کمی به آمار منابع انسانی که بعد از انقلاب در کشور پرورش یافته‌اند اشاره می‌فرماید:

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه شصت است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه پانزده و چهل سالگی، نزدیک به چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند، اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.

نقش مؤلفه‌های استخراجی بیانیه بر تمدن‌سازی انقلاب اسلامی

پرسش اصلی آن است که انقلاب اسلامی با توجه به تحولات تمدن اسلامی در ادوار گذشته، با تأکید بر چه مؤلفه‌هایی می‌تواند پایه‌های تمدن اسلامی را برای همیشه مستحکم سازد.



لذا در پاسخ به شاخص‌های تمدن‌ساز بودن انقلاب اسلامی می‌توان مؤلفه‌های عقلانیت، علم‌گرایی و معنویت را در رشد سریع‌تر و همه‌جانبه انقلاب اسلامی برای رسیدن به تمدن اسلامی معرفی کرد.

بایسته‌های تمدن‌سازی انقلاب اسلامی

تمدن‌سازی و عقلانیت

در ارزش و اهمیت عقل، روایات فراوانی از ائمه اطهار: وارد شده است که بر اساس آنها عقل به‌عنوان مهم‌ترین و محبوب‌ترین مخلوق الهی و ملائک جزا و پاداش معرفی شده است. امام باقر(ع) فرموده‌اند: «وقتی خداوند عقل را آفرید، هرآنچه دستور داد اطاعت کرد و از هرچه نهی کرد پرهیز نمود. آن‌گاه خداوند فرمود: "به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که از تو به پیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به‌طور کامل دادم. همانا امر و نهی و کيفر و پاداش متوجه توست"» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۰؛ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۹).

عقل بزرگ‌ترین سرمایه انسان است. امام صادق(ع) از حضرت رسول(ص) نقل می‌کنند که خطاب به حضرت علی(ع) فرمودند: «ای علی، شدیدترین فقر جهالت و بزرگ‌ترین سرمایه عقل است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۰).

نگاه عقلانی، با برنامه و محاسبه و هوشمندی و تدبیر باعث می‌شود در طی هر مسیری دچار لغزش و انحراف نشویم. دین‌مداری، عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی و هر آرمان اسلامی و انسانی دیگر اگر با عقلانیت همراه نباشد، نه تنها ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند، بلکه مشکلات را پیچیده‌تر هم می‌کند و موجب ایجاد انحراف می‌شود (قالیباف، ۱۳۸۷). «اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا باشد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود. خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، درحالی‌که نیست، و چیزهایی را هم که عدالت است گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای دولت نهم در تاریخ ۱۳۸۴).



تمدن‌سازی و علم‌گرایی

ویژگی دین اسلام این بوده که در مدت‌زمان بسیار کمی توانسته مبانی عقیدتی خود را نه تنها در جامعه عرب، بلکه در بخش وسیعی از جهان بگستراند؛ به طوری که ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌گوید: «تمدنی شگفت‌انگیزتر از تمدن اسلام وجود ندارد. اگر اسلام طرفدار ثبات، جمود و یک‌نواختی می‌بود، باید جامعه را در همان حد اول جامعه عرب نگه‌بدارد، درحالی‌که [در طی کمتر از یک قرن] تمدن‌های وسیع‌مجاور را در خودش جمع کرد و از مجموع آنها تمدن عظیم‌تری را به وجود آورد.»

تمدن‌سازی و معنویت

در قرآن کریم حدود ۸۸۰ آیه به‌طور مستقیم از ماده امن استفاده کرده است. اگر متضادهای این ماده و نیز مواد دیگری را که نزدیک به آن است در نظر بگیریم، هزاران آیه قرآن درباره موضوع ایمان است.

از نظر امام خمینی (ره)، غرب صرفاً در بعد مادی پیشرفت کرده و تنها توانسته است با استفاده از علم و تکنولوژی بر طبیعت چیره شود و از آن برای افزایش امکانات و رفاه خود بهره‌گیری، ولی در تعالی معنوی انسان ناتوان است و قادر نیست نیاز انسان را به معنویت و اخلاق پاسخ‌بگوید: «کشورهای غربی اگر بتوانند... به کره مریخ هم بروند، به کهکشان‌ها هم بروند، باز از سعادت و فضایل اخلاقی و تعالی روانی عاجزند و قادر نیستند مشکلات اجتماعی خود را حل کنند» (موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۴).

دوری غرب از معنویت باعث شده بسیاری از پیشرفت‌های علمی غرب که دارای کارکردهای مفید و مثبت است، ضد بشر استفاده شود: «غربی‌ها در جهان مادی پیشرفت کرده‌اند... غرب قوای طبیعت را کشف کرد و بر ضد انسان این قوا را به‌کار می‌برد: برای هدم انسانیت، برای هدم شهرها و ممالک... آن چیزهایی که در آنها پیشرفت کردند، بر ضد انسانیت به‌کار می‌برند» (صحیفه امام، ج ۸: ۱۰۸). به‌عنوان نمونه، غرب از تکنولوژی‌ای که باید برای افزایش رفاه بشر به‌کار گرفته شود، استفاده مخرب می‌کند و آن را برای ساخت سلاح و به‌راه انداختن جنگ و کشتار انسان‌ها به‌کار می‌گیرد و شهرها و سرزمین‌ها را به نابودی می‌کشاند (همان: ۱۸۳).



امام(ره) معتقدند که غرب برای حل مشکلات اجتماعی خود باید به سراغ معنویت و اخلاق برود: «کسب قدرت مادی یا ثروت و تسخیر طبیعت و فضا از عهده حل [مشکلات اجتماعی غرب] برنمی آید. ثروت و قدرت مادی و تسخیر فضا احتیاج به ایمان و اعتقاد و اخلاق اسلامی دارد... تا در خدمت انسان قرار گیرد».

اما وقوع انقلاب اسلامی سبب تغییر این وضع و مطرح شدن تعریف جدیدی از مادی و معنوی است. شاخص مادی تمدن اسلامی همان علم و پیشرفت است:

خصوصیت این نظام این نیست که به مسائل مادی توجه نخواهد کرد و هدفش را فقط معنویات قرار خواهد داد؛ نه. این یک مغالطه و نشانه غلط دادن است، که در تبلیغات جهانی علیه ما این نشانه داده می شود. به هیچ وجه این گونه نیست، بلکه معنای تشکیل چنین نظامی این است که عنصر گم شده از میان بشر، یعنی عنصر «معنویت» - که تحت تأثیر پنجه قدرتمند قدرتمندان عالم است - به زندگی بشریت برمی گردد. همچنانی که انسان به نان و هوا و غذا و صنعت و علم و پیشرفت و لذا بد زندگی نیازمند است، به ایمان و تقوا و پاکی و پاک دامنی و طهارت دل و نورانیت دل و مجذوب معارف الهی شدن هم نیازمند است؛ به اخلاق حسنه و مکارم اخلاقی هم نیازمند است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۲۵).

حضرت آیت الله خامنه‌ای بارها فرموده‌اند که با تشکیل جمهوری اسلامی، ایران می تواند در قله تمدن بشری قرار بگیرد و تمدن اسلامی را حاکم کند:

این ملت از همه این جهات توانایی‌هایی دارد که اگر این همت را بکند و این تصمیم را بگیرد، خواهد رسید. این ایران نمی تواند ایران دوره قاجار و پهلوی بماند. این ایران، ایران دوره اسلامی است. باید بتوانیم در قله تمدن بشری قرار بگیریم که حق ماست؛ به خاطر اسلامان، به خاطر ایمانمان، به خاطر استعدادمان، به خاطر ایرانی بودنمان. پس، من به مسئولان دنبال گیری و جدیت در تعقیب کار را توصیه می کنم (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان استان سمنان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۹).

البته ایشان این نکته را نیز خاطر نشان کرده‌اند که پیشبرد این طرز تفکر امری دشوار است؛ چون منفعت عده‌ای در دنیای امروز تأکید بر بعد مادی تمدن است:



بشر به پیشرفت علمی نیازمند است، به اکتشافات پی‌درپی، همچنان‌که امروز بشر سرگرم این اکتشافات است و پیشرفت‌های شگفت‌آوری دارد، نیازمند است؛ اما در کنار معنویت، خب، نظام اسلامی هم، آن نظامی است که می‌خواهد این عنصر گم‌شده از تمدن و حیات بشری را به محیط زندگی بشر برگرداند. این در بیان، کار آسانی است، اما در عمل، هم کار مشکلی است، هم معارضانِ خیلی گردن‌کلفتی دارد. همه کسانی که منفعتشان در دنیا با ایجاد جنگ همراه است، با این مخالف‌اند؛ همه کسانی که کار و بارشان در دنیا با ترویج سکس سکه می‌شود، با این مخالف‌اند؛ همه کسانی که می‌خواهند سررشته ثروت‌های حیاتی ملت‌ها را به دست گیرند، با این مخالف‌اند؛ همه کسانی که قدرت‌طلبی برایشان هدف اصلی است، در حکومت‌های کوچک و بزرگ دنیا، با این مخالف‌اند؛ یعنی معارضانِ گردن‌کلفتی دارد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۲۵).

قرآن و علت اساسی سقوط تمدن‌ها

آیات بسیاری در قرآن این واقعیت را منعکس می‌کند که اساسی‌ترین علت فنا و نابودی جامعه‌ها و تمدن‌ها و سلسله‌ها، ظلم و تعدی و تجاوزکاری خود آنهاست. در اینجا به مطالعه برخی از آنها بسنده می‌کنیم. خداوند در آیه چهار و پنج سوره اعراف در خصوص دلیل سقوط تمدن‌ها می‌فرماید:

(و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا و جاءتهم رسلهم بالبینات و ما کانوا لیؤمنوا کذالک نجزی القوم المجرمین.)

و ما قبل از شما امتی را به دلیل ظلم و جورشان به بوته هلاکت سپردیم. آنان باینکه پیامبران‌شان با دلایل روشن بسوی‌شان آمدند، به خط توحید و تقوا گام ناسپردند و ایمان نیاوردند. آری، ما اقوام مجرم و زشتکار را این چنین کیفر می‌دهیم.

قرآن کریم در نهایت وارثان زمین را افراد صالح معرفی و اشاره می‌کند که سرانجام، زمین از ظالمان و ستمکاران تهی می‌شود و ما این‌گونه می‌خواهیم: «و نرید ان نم‌ن علی الذین استضعفوا فی الارض نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین (قصص: ۵)؛ و ما اراده کردیم بر آن طبقه ضعیف در زمین که آنها را پیشوایان قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان قرار دهیم.»



باتوجه به آیات قرآن علل اصلی انحطاط تمدن‌ها را باید در عواملی همچون خوش‌گذرانی، طغیان و سرپیچی، ظلم و ستم، ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر، فساد و فحشا، جهل و نادانی و تقلیدهای کورکورانه، نام برد که هر یک از این عوامل به درجاتی در انحطاط فرهنگ‌ها و تمدن‌ها اثرگذار است.

ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در ساخت تمدن

انقلاب اسلامی باتوجه به ویژگی‌هایی که از خود در طول مراحل انقلاب نشان داده این ظرفیت را داراست که بتواند در عرصه جهانی با بهره‌گیری از مکتب اسلام، نمونه‌ای از نظام با کارکردهای اثربخش و مفید باشد. اما ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران را از این ابعاد نیز می‌توان نگریست (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰):

تحول انقلابی: انقلاب اسلامی ایران تغییر و تحولی بنیادین در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران بود. انقلاب ملت ایران در زمره انقلاب‌های بزرگ قرار می‌گیرد. بر اساس تعریف ساموئل هانتینگتون، انقلاب اسلامی ایران تغییر و تحول سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز در ساختار اجتماعی، نهادهای سیاسی، ارزش‌ها، باورها و اسطوره‌های حاکم بر جامعه ایران و رهبران حکومتی، فعالیت‌ها و کنش‌های سیاسی آنان بود؛

فرهنگ محوری: یکی دیگر از شاخص‌های انقلاب اسلامی فرهنگی بودن آن است. ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، تنها نظریه‌های انقلاب را با مشکل مواجه نساخت، بلکه پارادایم اثبات‌گرایی حاکم بر روابط بین‌الملل و نظریه‌های جریان اصلی را نیز به چالش کشید؛ زیرا این نظریه‌ها به‌ویژه واقع‌گرایی، نقش قوام‌بخش و تکوینی برای ساختارهای غیرمادی و انگاره‌ای در روابط بین‌الملل قائل نیستند و بر ساختارهای مادی ناشی از توزیع قدرت مادی تأکید می‌ورزند. حتی نظریه‌های فرهنگی نوظهور آن زمان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای برای فرهنگ‌های بومی و سنتی خارج از گفتمان سکولاریزم و مدرنیزاسیون قائل نبودند؛

فراملی‌گرایی: گفتمان انقلاب اسلامی ماهیت و هویت فراملی دارد. انقلاب فراملی برخلاف انقلاب ملی دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که از مرزهای جغرافیایی ملی فراتر می‌رود و به یک ملت تعلق ندارد. براین اساس انقلاب اسلامی ایران، انقلاب فراملی است؛ زیرا این گفتمان انقلابی بر پایه اسلام شیعی استوار است که مکتب و جهان‌بینی جهان‌شمول و فراملی است؛



الهام‌بخشی: فراملی‌گرایی، راه‌بخشی و جهان‌شمولی گفتمان انقلاب اسلامی موجب الهام‌بخشی در جوامع دیگر شده است؛ زیرا این گفتمان بر اصول انسانی و فطری استوار است و به همه ابعاد بشری توجه کرده است. امکان بازتولید گفتمان انقلاب اسلامی در جوامع اسلامی و در حال توسعه بیشتر است؛ زیرا این گفتمان در شناسایی و پاسخ‌گویی به مشکلات مادی و معنوی این جوامع توانا تر است.

تمدن‌های بزرگ بشری دارای عقبه و سابقه‌ای تمدنی بوده‌اند و این منجر به تمدن‌سازی شده است؛ ولی درباره اسلام این چنین نبود. اسلام توانسته است با قدرت فوق‌العاده خود در سرزمینی که اثری از فرهنگ و سواد نبود تمدن عظیمی را بنیان نهد:

پدیده‌ای در تاریخ اتفاق افتاده که اگر ما بخواهیم آن را بر اساس معادلات معمولی تاریخی حل کنیم، حل آن محال است، و آن اینکه ملتی که در دورانی از اولیات تمدن بشری محروم بوده، بنایی را پی‌ریزی کرده که بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری را به وجود آورده و آن، نهضت اسلامی است. تمدن را چه کسانی به وجود می‌آورند؟ تمدن یونان و روم قدیم، که اروپای امروز در اواخر قرن بیستم هنوز به آن می‌نازد و در تاریخ و تفسیرهای علمی خود آن را به رخ همه می‌کشد، هر قدمش مترتّب بر قدم‌های قبلی بوده است. مگر یک تمدن عظیم، همین‌طوری از یک کویر می‌جوشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ اما در مورد اسلام چنین شد. عده‌ای که حتی سواد خواندن نداشتند، چه رسد به اینکه سواد داشتن، به خواندن کتاب‌های گوناگون و به پیدا کردن نظر علمی منتهی شود و بعد این نظر علمی در مسابقه بین نظرات علمی بشر رتبه بالاتر را پیدا کند، تمدنی عظیم را پی‌ریزی کردند. شما ببینید اینها چه راه‌های طولانی‌ای است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با فرماندهان سپاه در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۹).

پویایی و زایایی فرهنگ اسلامی راهی به سوی تمدن‌سازی

یکی از ویژگی‌های مهم ما این است که مرکز تشیع در جهان هستیم و تشیع مکتبی پویاست؛ بدین معنا که می‌تواند بر مبنای شرایط و نیازهای جامعه، پاسخ‌های مناسب را تولید کند. ویژگی دوم ما مؤلفه پویایی فرهنگ ایرانی است. فرهنگ ما می‌تواند مؤلفه‌های فرهنگ‌های دیگر را درک و هضم کند و آنها را مطابق با نیازها و مؤلفه‌های فرهنگی خود به کار گیرد. این



مسئله را در تاریخ ایران می‌بینیم. برای نمونه، هنگامی که اسلام به ایران آمد، فرهنگ ایرانی توانست عناصر فرهنگی برتر فرهنگ اسلامی را اخذ کند و به‌مرور فرهنگ ایرانی-شعبی را شکل دهد. عنصر سوم فرهنگ ایرانی علم‌جویی است. این خصلت به دلیل آموزه‌های دینی در ایران تقویت شده است. طبق تعالیم دینی علوم را می‌توان از هرکس فارغ از دین و ملیت حتی از چین فراگرفت. بنابراین، مانعی برای توسعه علوم به لحاظ فرهنگی در ایران وجود ندارد. ما این مسئله را در توسعه آموزش عالی در دو دهه اخیر به‌خوبی می‌بینیم. عنصر نوجویی و نوگرایی نیز از ویژگی‌های جامعه ایران است. در همین صد سال گذشته چندین بار تلاش ملی برای نفی استبداد و استعمار صورت گرفته است. باآنکه قیام‌ها و تلاش‌ها به‌دفعات سرکوب شده یا بی‌نتیجه مانده است، بازهم مردم برای رسیدن به اهدافشان با سازمان‌دهی تازه و رهبری جدید به میدان آمده‌اند (تقوی و خوشنویس، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در ابتدای پژوهش مطرح شد این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی در سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی نظام اسلامی اشاره کرده و یافته‌های پژوهش در سازگاری و همسویی با مؤلفه‌های تمدن‌سازی به چه میزان تطابق دارد. توضیح و تبیین هر دو مؤلفه‌ها یعنی مؤلفه‌های استخراجی از بیانیه و مؤلفه‌های تمدن، ما را به این یافته و خروجی از پژوهش سوق می‌دهد که قرابت و نزدیکی بین هر دو موضوع وجود دارد. در اینجا به تشابه و تطابق این دو می‌پردازیم. در استخراج مؤلفه‌های عملکرد نظام اسلامی، در بیانیه گام دوم به سه نوع سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی دست یافته‌ایم که هر یک از این شاخص‌ها دارای زیرشاخه‌هایی می‌باشد. در سبک بینشی به باورها، عقاید و کلان‌موضوعات فکری نظام اسلامی که تمام کنش‌ها و افعال نظام از آن منشأ و مبدأ صادر می‌شود پرداخته شد و درنهایت، موضوع بهره‌گیری نظام از مکتب فکری اسلام را به‌عنوان نسخه کامل برای اداره جامعه و حکومت مورد نظر قرار می‌دهیم. شاخص‌های خدامحوری، تعامل دین و دنیا، جهان‌شمولی، فطرت‌گرایی و عدالت‌محوری به معنای واقعی و حقیقت‌طلبی در کلان‌موضوعات فکری و نظری نظام اسلامی قرار می‌گیرد. مسلماً موارد ذکرشده توان و قدرت بالایی را برای موتور پیشران تمدن‌سازی انقلاب اسلامی



ایجاد خواهد کرد. در سبک رفتاری نظام هم باید در ابتدا به این نکته اشاره کرد که تمایزی بین نظر و عمل هر نظام سیاسی هست. تجربه نشان داده است رفتارهای هر نظام همیشه با مبانی فکری آن نظام مطابقت کامل نکند؛ زیرا در بسیاری از مکاتب فکری دنیا مباحث کلانی همچون عقلانیت، علم و عدالت به‌عنوان آرمان‌ها و شعائر اصلی اعلام شده، ولی اعمال، افعال، رفتارها و خروجی‌های نظام هیچ تطابق و تشابهی با باورها و عقاید کلان آن نظام ندارد؛ آن‌چنان‌که در مکاتب فکری غرب نیز این موضوع مشاهده می‌شود. لذا یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلاب‌های جهان، تبعیت‌پذیری محض رفتارها و کنش‌های نظام بر مبنای مبانی فکری نظری انقلاب است. چنان‌که بعد از گذشت چهل سال از انقلاب، هیچ انحراف و انقطاعی از اصول و مبانی اولیه انقلاب صورت نگرفته است. در شاخص‌های رفتاری نظام می‌توان به عقلانیت رفتاری، علمانیت رفتاری، اخلاق‌گرایی و پرهیز از افراط‌گرایی اشاره کرد. سبک سوم استخراجی از بیانیه، سبک مدیریت نظام اسلامی است که مدیریت جهادی، جوان‌گرایی، دست یافتن به علوم و فنون پیشرفته، بدیع و خلاقانه بودن مدیریت‌ها و بهره‌گیری از مشارکت مردمی را شامل می‌شود. لزوماً ما در بحث تمدن‌سازی به این مصادیق نیاز داریم، که در بیانیه گام دوم کاملاً به آن اشاره شده است. لذا تطابق و تشابه مؤلفه استخراجی از بیانیه با مؤلفه‌های تمدن‌سازی، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که انقلاب اسلامی بر مدار این مؤلفه‌های تمدن‌ساز در حرکت است و سرعت‌بخشی به تمدن‌سازی انقلاب اسلامی را رقم خواهد زد. انقلاب اسلامی به جهت دارا بودن ساختار خاص معنوی و فکری، توانایی رویارویی با فرهنگ و تمدن دیگر جوامع به‌خصوص تمدن غرب را داراست. ظهور انقلاب اسلامی به‌عنوان حرکت آینده‌دار و تمدن‌ساز، جواب‌گوی نیازهای معنوی بشر است که تمدن غرب سال‌هاست در نفی و سرکوبی آن تلاش کرده است. ویژگی‌های فراملی‌گرایی، فرهنگ‌محوری و الهام‌بخشی در انقلاب اسلامی توانسته این فرهنگ را در سطح منطقه و جهان گسترش دهد. انقلاب اسلامی ایران از همان بدو پدید آمدن، رویکرد تمدن‌سازی خود را با مبانی و اصول هدفمند و منسجم آغاز کرد. مؤلفه‌های معنویت، عقلانیت و علم‌گرایی در بسیاری از مقاطع و دوران این انقلاب خود را ظهور و بروز داده است. یقیناً تمدن و فرهنگ غرب نیز در کاربست این ویژگی‌ها کوتاهی نکرده و روند فعلی تمدن غرب نیز مدیون این ویژگی‌هاست. ولی در تطبیق



این مفاهیم در تمدن غرب با فرهنگ و تمدن اسلامی تفاوت‌های زیربنایی و ساختاری زیادی را مشاهده می‌کنیم: تمدن اسلامی و تمدن غربی ذاتاً با یکدیگر متفاوت‌اند و دو رویکرد کاملاً متفاوت به عالم و آدم دارند. تمدن عقلانی صرف که مایه الهی نداشته باشد و جنبه‌های معنوی انسانی را نادیده بگیرد ماندنی نیست. لذا مؤلفه‌های پیشی، رفتاری و مدیریتی نظام اسلامی با تکیه بر اصول و مبانی اسلامی و الهی برای جوامع بشری ضرورت به‌شمار می‌آید. ریشه‌های تمدن اسلامی را باید در نظام علمی، که برخاسته از آموزه‌های اسلامی است شناخت و تحلیل کرد. خاستگاه تمدن استوار و پویا که برجسته‌ترین و غنی‌ترین تمدن جهانی را به‌وجود آورد، متعلق به مکتبی بود که در آن علم و عالم جایگاه ویژه‌ای داشت. لذا در زمان فعلی باید به نکات مهمی در باب علم و علم‌آموزی توجه کرد. ارزش‌گذاری برای علم و معلم، شناخت ارزش ذاتی علم، توأم کردن علم و تزکیه و حکمت از ملزوماتی است که باید در روح و کالبد نظام علمی کشور حاکم شود. بنابراین از لحاظ تئوریک، علمی و تجربی مشاهده می‌شود اسلام با لطف الهی توسط انقلاب اسلامی بار دیگر در سرازیری پیشرفت قرار گرفته و جهان در آینده شاهد کارآمدترین نظام و جامعه اسلامی است.

پیشنها

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان سندی معتبر و دقیق، باید توسط اندیشمندان و پژوهشگران دانشگاهی و مراکز علمی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و شیوه‌های عملیاتی کردن آن در نهادها و بخش‌های مختلف استخراج و تدوین گرسود. بحث تمدن و تمدن‌ساز بودن انقلاب اسلامی بحثی است که با واکاوی و ارزیابی دقیق توسط دستگاه‌های علمی پژوهشی کشور، به‌ویژه مراکز دانشگاهی و نخبگان در حال شکل‌گیری است. لذا الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و همچنین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان راهبرد جمهوری اسلامی ایران جهت رسیدن به رشد و تکامل و گامی در جهت بازتولید تمدن اسلامی-ایرانی است. نکته مهم اینکه تا چه حد نخبگان و مدیران عرصه فرهنگ، سیاست و اجتماع می‌توانند از مؤلفه‌های ذکر شده در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی کمک گیرند. اگر کارگزاران اسلامی بتوانند در حوزه پیشی، رفتاری و مدیریتی از شاخص‌های بیانیه گام دوم بهره‌گیرند و به آن در عرصه گوناگون جامعه جامه عمل بپوشانند، یقیناً به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های ارزشمندی دست خواهیم یافت.



منابع

- قرآن کریم.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۲). *دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره)*، تهران، تصویرگران.
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با فرماندهان سپاه در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۹، دسترسی در سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، www.khamenei.ir.
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نخبگان استان سمنان در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۹، دسترسی در سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، www.khamenei.ir.
- بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۲۵، دسترسی در سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، www.khamenei.ir.
- مصطفی تقوی و یاسر خوشنویس (۱۳۸۸). *تأملی بر الگوی اسلامی ایرانی از دیدگاه صاحب‌نظران*.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۰). *بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران*، تهران، سمت.
- دورانت، ویل (۱۳۸۴). *مشرق گاهواره تمدن*، ترجمه احمد آرام، پاشایی و آریان‌پور، تهران، علمی و فرهنگی.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). *زمینه فرهنگ‌شناسی*، تهران، عطار.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۱). *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.
- فتحی، محمدجواد (تابستان ۱۳۹۷). *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، س ۸، ش ۲۷، ص ۶۶-۴۱.
- قالیباف، محمدباقر (مرداد ۱۳۸۷). «تداوم آفتاب»، ویژه‌نامه تاریخ جام جم.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی.
- _____ (۱۳۸۴). *تاریخ و تمدن اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.



- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه علی‌حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

سایت

www.khamenei.ir

